



مدح حقوق



دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی

همایون مافی، محسن رئیسی

نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران

امیررضا محمودی، زهرا رهنما

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران

شیمیا شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بقی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور

روح الله شیخی، محمد محمودی

چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار

رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی

تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران

حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی

راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی

فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزی

توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا

حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی

عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی، نغمه فرهود

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی

پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند

هادی زارع، مجید وزیری

تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان

زینب تاری

انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک

امیررضا علی تبار

جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی

محبوبه طالبی رستمی

تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی

سیدامیرحسین مصطفوی

مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران

وحید کیومرثی

مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان

(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)

راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید

بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی

سیده مهشید میری بالاچورشری

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

سینا یوسفی

مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

ابراهیم شیروانی

تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تأدیه از محکوم به دولتی

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران

احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

رادمهر رحمانی گل افشان

پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در

ایران، امارات متحده عربی و قطر

عبدالمجید یوسفی

جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین

یاسر شاکری



An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

Hasan Pirfalak

Master of Laws, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran (Corresponding Author)

Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Assistant Professor, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran

حسن پیر فلک لسکو کلابه

کارشناس ارشد حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)

hasan.pirfalak20@gmail.com

طیبه قدرتی سیاه‌مزمگی

استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران

ghodrati@iau.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0001-7472-9484>

Abstract

The principle of proportionality between crime and punishment constitutes one of the fundamental pillars of criminal justice and occupies a central position within the system of international criminal law, particularly in the practice of the International Criminal Court. This principle requires that the penal response to criminal conduct correspond to the gravity, nature, and consequences of the committed offense, while simultaneously respecting human dignity and the fundamental rights of the accused. The present study focuses on crimes such as genocide, crimes against humanity, and war crimes, and examines how the principle of proportionality is realized in the process of determining and enforcing punishments in the jurisprudence of the International Criminal Court. The findings indicate that although the International Criminal Court emphasizes the principle of proportionality at the normative level, its practical implementation faces certain limitations that may affect the effectiveness and legitimacy of its judgments. The research methodology adopted in this article is descriptive-analytical. Accordingly, the relevant concepts, theoretical foundations, and legal frameworks concerning the principle of proportionality are first described on the basis of international legal instruments and the Statute of the International Criminal Court. Data have been collected through library-based research, including the study of legal documents, treaties, judicial decisions, and authoritative academic sources.

Keywords: Criminal Justice, Principle of Proportionality, International Criminal Court, Human Rights, Punishment.

چکیده

اصل تناسب میان جرم و مجازات به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین عدالت کیفری، در نظام حقوق کیفری بین‌المللی و به‌ویژه در عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی جایگاهی اساسی دارد. این اصل اقتضای می‌کند که واکنش کیفری نسبت به رفتار مجرمانه، با شدت، ماهیت و آثار جرم ارتكابی هم‌خوان بوده و درعین حال، کرامت انسانی و حقوق بنیادین متهم نیز مورد احترام قرار گیرد. پژوهش حاضر با تمرکز بر جرائمی نظیر نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، به بررسی نحوه تحقق اصل تناسب در فرآیند تعیین و اجرای مجازات‌ها در رویه دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازد. در این چهارچوب، معیارهای مؤثر بر سنجش تناسب از جمله درجه مشارکت مرتکب، اوضاع و احوال مشدده و مخفیه، اهداف مجازات و ملاحظات انسانی مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، چالش‌های حقوقی، سیاسی و ساختاری مؤثر بر اجرای کامل اصل تناسب، از جمله حذف مجازات اعدام از نظام کیفری دیوان کیفری بین‌المللی، وابستگی اجرای احکام به همکاری دولت‌ها، تنوع نظام‌های حقوقی ملی و تأثیر ملاحظات سیاسی بر کارکرد عدالت کیفری بین‌المللی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است نشان می‌دهند که اگرچه دیوان کیفری بین‌المللی در سطح هنجاری بر اصل تناسب تأکید دارد، اما در مقام اجرا با محدودیت‌هایی مواجه است که می‌تواند بر میزان کارآمدی و مشروعیت احکام صادره اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: عدالت کیفری، اصل تناسب، دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بشر، مجازات.

ارجاع:

پیرفلک لسکو کلابه، حسن؛ قدرتی سیاهمزیگی، طیبه؛ (۱۴۰۴)، واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

اصل تناسب میان جرم و مجازات یکی از بنیادی‌ترین اصول عدالت کیفری است که ریشه در اندیشه‌های کلاسیک حقوق کیفری داشته و در تحولات معاصر، به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی، جایگاهی برجسته و تعیین‌کننده یافته است. این اصل بر این مبنا استوار است که واکنش کیفری دولت یا نهاد قضایی بین‌المللی باید

متناسب با شدت، ماهیت و آثار رفتار مجرمانه باشد؛ به‌گونه‌ای که نه به افراط در کیفر بینجامد و نه به تساهل و بی‌اثری مجازات. از این منظر، اصل تناسب ابزاری برای تحقق عدالت ماهوی، پیشگیری از خودکامگی کیفری و تضمین رعایت کرامت انسانی تلقی می‌شود و به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی مشروعیت نظام عدالت کیفری شناخته می‌شود (Klip, 2016, 133).

در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی، اهمیت اصل تناسب دوچندان می‌شود؛ زیرا این شاخه از حقوق با شدیدترین و فجیع‌ترین جرائم علیه جامعه بشری سروکار دارد. دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد قضایی دائمی در این حوزه، صلاحیت رسیدگی به جرائمی همچون نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز را بر عهده دارد؛ جرائمی که به دلیل گستره وسیع خسارات انسانی، اخلاقی و اجتماعی، واکنش کیفری قاطع و درعین حال سنجیده را می‌طلبند.

با این حال، شدت این جرائم به تنهایی نمی‌تواند مبنای تعیین مجازات باشد، بلکه لازم است مجموعه‌ای از عوامل فردی و عینی، از جمله میزان مشارکت مرتکب، قصد مجرمانه، شرایط ارتکاب، وضعیت بزه‌دیدگان و آثار اجتماعی جرم مورد توجه قرار گیرد تا اصل تناسب به صورت واقعی محقق شود.

در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، اصل تناسب نه تنها به عنوان یک قاعده تفسیری، بلکه به مثابه معیاری هنجاری برای تضمین مشروعیت احکام صادره ایفای نقش می‌کند. رعایت این اصل موجب می‌شود که تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی از منظر حقوق بشر، انصاف قضایی و عقلانیت کیفری قابل دفاع باشد و اعتماد جامعه بین‌المللی و بزه‌دیدگان نسبت به عملکرد آن تقویت گردد. به همین دلیل، رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی تلاش کرده است میان اهداف مختلف مجازات، از جمله سزادهی، بازدارندگی، اصلاح مرتکب و جبران خسارت بزه‌دیدگان، نوعی توازن منطقی برقرار سازد؛ توازنی که ریشه در ترکیب نظریه‌های سزاکرایانه و فایده‌گرایانه در حقوق کیفری بین‌المللی دارد (Schabas, 2017, 388).

با وجود این، تحقق عملی اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی با چالش‌های متعددی مواجه است. از یک سو، ماهیت فراملی دیوان کیفری بین‌المللی و وابستگی آن به همکاری دولت‌ها در دستگیری متهمان و اجرای احکام، امکان اعمال یکنواخت و مؤثر عدالت کیفری را محدود می‌سازد. از سوی دیگر، تنوع نظام‌های حقوقی ملی و تفاوت در برداشت‌ها از مفهوم مجازات عادلانه، بر تفسیر و اجرای اصل تناسب اثرگذار است. افزون بر این، فشارهای سیاسی، ملاحظات دیپلماتیک و موازنه‌های قدرت در سطح بین‌المللی گاه بر فرآیند تصمیم‌گیری قضایی سایه می‌افکند و تحقق کامل عدالت کیفری را با دشواری مواجه می‌سازد.

در این میان، حذف مجازات اعدام از نظام کیفری دیوان کیفری بین‌المللی، نمودی روشن از تحول رویکرد حقوق کیفری بین‌المللی به سوی حمایت گسترده‌تر از کرامت انسانی و حق حیات است. این تحول، هرچند گامی مهم در راستای انسانی‌سازی عدالت کیفری محسوب می‌شود، اما در عین حال پرسش‌هایی را درباره چگونگی تأمین تناسب میان شدت جرائم بین‌المللی و نوع

مجازات‌های پیش‌بینی شده مطرح می‌سازد. از این رو، بررسی نسبت میان اصل تناسب و سیاست کیفری دیوان کیفری بین‌المللی، بدون توجه به این تحول بنیادین، ناقص خواهد بود. در مجموع، اصل تناسب میان جرم و مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی نقشی محوری در تضمین عدالت کیفری متوازن، مشروعیت نهادی و اعتماد عمومی ایفاء می‌کند. تحلیل دقیق مبانی نظری، کارکردها و چالش‌های این اصل نشان می‌دهد که تحقق مؤثر آن مستلزم تقویت سازوکارهای حقوقی، شفاف‌سازی معیارهای تعیین مجازات و ارتقای همکاری بین‌المللی است. بدین ترتیب، اصل تناسب نه تنها یک قاعده فنی در تعیین کیفر، بلکه سنگ‌بنای توسعه پایدار حقوق کیفری بین‌المللی و نماد تعهد جامعه جهانی به عدالت، انسان‌محوری و حاکمیت قانون به شمار می‌آید.

۱- مفهوم اصل تناسب جرم و مجازات در نظام دیوان کیفری بین‌المللی

اصل تناسب میان جرم و مجازات، یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری کلاسیک و مدرن است که جایگاه ویژه‌ای در نظام دیوان کیفری بین‌المللی دارد. این اصل بر آن تأکید دارد که مجازات باید به گونه‌ای باشد که با شدت، ماهیت و گستردگی جرم ارتكابی متناسب باشد و از مرزهای ضرورت و انصاف فراتر نرود. در اساسنامه رم که سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی است، هرچند صراحتاً از اصل تناسب نام برده نشده، اما روح حاکم بر مقررات، به‌ویژه در مواد مرتبط با تعیین مجازات، فردی‌سازی مجازات‌ها و ارزیابی عوامل تخفیف‌دهنده یا تشدیدکننده، نشان‌دهنده پذیرش این اصل است.^۱

دیوان کیفری بین‌المللی در راستای تأمین عدالت جهانی و پیشگیری از ارتكاب جنایات، اصل تناسب را به‌عنوان ابزار سنجش تعادل میان حقوق متهم، قربانی و جامعه بین‌المللی در فرآیند دادرسی به کار می‌گیرد. بدین معنا که دیوان کیفری بین‌المللی در تعیین مجازات، هم به میزان آسیبی که جرم به بار آورده و هم به جایگاه اجتماعی، نقش و مسئولیت متهم توجه می‌کند. برای نمونه، در قضیه توماس لوبانگا^۲، با وجود آن که وی مرتکب جرم جدی سربازگیری کودکان شده بود، دیوان کیفری بین‌المللی با لحاظ

1- International Criminal Court, 1998, Art. 77

2- Tomas lubanga

مجموعه‌ای از فاکتورهای شخصی و نقشی که ایفاء کرده بود، حکم چهارده سال زندان را صادر کرد که از منظر بسیاری با اصل تناسب همخوان دانسته شد (صادقی و زمانی، ۱۳۹۸، ۸۹).

اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی همچنین ابزاری است برای تحقق اهداف مجازات مانند سزادهی، بازدارندگی و نمادین بودن مجازات. قضات دیوان کیفری بین‌المللی در آراء خود به دفعات تصریح کرده‌اند که مجازات نباید جنبه انتقامی یا تحقیرآمیز داشته باشد، بلکه باید در خدمت عدالت جهانی و تقویت ارزش‌های حقوق بشری باشد. از همین رو، انتخاب نوع و میزان مجازات، محصول فرآیندی دقیق، تحلیلی و مبتنی بر اصول عدالت رویه‌ای و ماهوی است (Klip, 2016, 133). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی هم‌زمان که از آموزه‌های مکتب سزادهی تأثیر گرفته، در مسیر اهداف بشردوستانه و بازدارندگی نیز نقش اساسی ایفاء می‌کند؛ به گونه‌ای که مجازات باید به اندازه‌ای باشد که نه تنها پاسخگوی جرم باشد، بلکه به تحقق عدالت، بازپروری و جبران خسارت به قربانیان نیز کمک کند.

۲- جایگاه اصل فردی‌سازی مجازات در تحقق تناسب جرم و مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اصل تناسب میان جرم و مجازات در نظام دیوان کیفری بین‌المللی، اصل فردی‌سازی مجازات‌ها است. این اصل به معنای لزوم توجه به ویژگی‌های شخصی، شرایط اجتماعی، نقش دقیق فرد در ارتکاب جرم، انگیزه‌ها و وضعیت روانی یا جسمی او در زمان ارتکاب جرم است. مطابق ماده هفتادوهشتم اساسنامه رم، دیوان کیفری بین‌المللی موظف است در تعیین مجازات، نه تنها به شدت جرم، بلکه به شرایط فردی متهم نیز توجه کند. این امر، ترجمان عملی اصل تناسب است؛ زیرا تنها در صورتی مجازات عادلانه خواهد بود که برای آن فرد خاص، در آن شرایط خاص، متناسب تلقی گردد.^۳

3- Rome Statute, 1998, Art. 78

در پرونده « ژان-پیر بمبا»، دیوان کیفری بین‌المللی با در نظر گرفتن نقش فرماندهی وی در ارتکاب جرائم گسترده علیه بشریت و جنایات جنگی، به‌ویژه تجاوز جنسی و غارت، به این نتیجه رسید که مسئولیت بمبا بسیار فراتر از یک مشارکت ساده بوده و فرماندهی مؤثر وی، دلیل اصلی وقوع این جرائم بوده است. از این رو، شدت مجازات با استناد به اصل فردی‌سازی تعیین شد، به گونه‌ای که دادگاه او را واجد بالاترین درجه مسئولیت دانست و این وضعیت، بر تعیین میزان مجازات او تأثیر مستقیم گذاشت (صادقی و زمانی، ۱۳۹۸، ۹۵). به‌طور کلی، اصل فردی‌سازی مجازات یکی از ارکان ساختاری تضمین‌کننده تناسب جرم و مجازات در رویه دیوان کیفری بین‌المللی است؛ زیرا از یک سو، به‌طور دقیق به شرایط مرتکب می‌پردازد و از سوی دیگر، اهداف انسانی مجازات را با رعایت اصول انصاف و حقوق بشر تضمین می‌نماید (Mégret, 2015, 753).

۳- نقش رویه قضایی در تفسیر و اجرای اصل تناسب جرم و مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی

در دیوان کیفری بین‌المللی، رویه قضایی نقش بنیادینی در تفسیر و اجرای اصل تناسب جرم و مجازات ایفاء می‌کند؛ چرا که بسیاری از مفاهیم حقوقی از جمله «تناسب» ذاتاً مفاهیمی انعطاف‌پذیر و تفسیربردار هستند. بنابراین، آراء صادره از سوی شعب مختلف دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه در مراحل دادرسی، تجدیدنظر و جبران خسارت، به مثابه منشأ مهم تفسیر اصول بنیادین از جمله اصل تناسب محسوب می‌شوند. پرونده توماس لوبانگا دیلیو یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه است. دیوان کیفری بین‌المللی در رأی صادره در این پرونده، با استناد به بخش مقدمه اساسنامه رم و با تأکید بر ضرورت تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان، اعلام کرد که هدف از مجازات در چهارچوب دیوان کیفری بین‌المللی صرفاً تنبیه نیست، بلکه باید با اهدافی چون بازدارندگی، سزادهی و عدالت نمادین نیز همخوانی داشته باشد (صادقی و زمانی، ۱۳۹۸، ۸۸).

در این راستا، دیوان کیفری بین‌المللی معیارهایی چون میزان آسیب، نقش متهم، شدت و تأثیر جرم بر جامعه و وضعیت بزه‌دیدگان را مبنای تعیین تناسب قرار داد. همچنین، در پرونده ژان-پیر بمبا، رویه

دیوان کیفری بین‌المللی بار دیگر بر این نکته تأکید کرد که تناسب مجازات نباید بر مبنای قاعده‌ای خشک و ریاضی‌وار اعمال شود، بلکه باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر پرونده، تفسیر منعطف و متعادل از اصل تناسب صورت گیرد. شعبه تجدیدنظر در این پرونده، اگرچه حکم شعبه بدوی را درباره مجازات صادره نقض کرد، اما این نقض به معنای رد اصل تناسب نبود، بلکه به دلیل نقص در استدلال دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به شدت و گستردگی جرم و عدم توجه به برخی شواهد بود.^۴

در رویه دیوان کیفری بین‌المللی، قاضی‌ها همچنین از دکتربین‌های حقوقی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوق کیفری برای تفسیر تناسب بهره می‌گیرند. این روند رویه‌محور، موجب پویایی اصل تناسب و انطباق آن با ویژگی‌های هر پرونده و تحولات جهانی شده است. به بیان دیگر، دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها به تفسیر سنتی از تناسب اکتفاء نمی‌کند، بلکه با هر پرونده، عمق و دامنه اجرایی آن را گسترش می‌دهد (Kwon, 2010, 64). از منظر عملی، رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی کمک کرده است تا اصل تناسب از یک اصل نظری و فلسفی، به یک قاعده عملی و اجرایی در تعیین میزان و نوع مجازات تبدیل شود که هم بزه‌دیده را در مرکز دادرسی قرار می‌دهد و هم به رعایت حقوق متهم وفادار می‌ماند.

۴- اصل تناسب و محدودیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی

اگرچه اصل تناسب میان جرم و مجازات به‌عنوان یکی از اصول شناخته‌شده در حقوق کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود، اما دیوان کیفری بین‌المللی در عمل با محدودیت‌های متعددی در اجرای کامل این اصل مواجه است. این محدودیت‌ها بیشتر از ماهیت بین‌المللی دیوان کیفری بین‌المللی، وابستگی به دولت‌ها و فقدان ابزار اجرایی مستقل نشئت می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، وابستگی دیوان کیفری بین‌المللی به همکاری دولت‌ها در دستگیری متهمان و اجرای احکام است. دیوان کیفری بین‌المللی فاقد نیروی اجرایی^۵ برای تعقیب و دستگیری است و به همین دلیل، در

4- International Criminal Court, Appeals Chamber, 2018

مواردی که همکاری سیاسی یا نظامی کشورها وجود ندارد، نمی‌تواند مجازات‌های متناسب با جرائم شدید را اجرا کند. به‌عنوان نمونه، در برخی پرونده‌ها که شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده است، فقدان همکاری دولت‌ها منجر به ناکامی در پیگرد متهمان شده است (اختری، ۱۳۹۹، ۴۸).

در برخی موارد دیوان کیفری بین‌المللی برای حفظ توازن میان اهداف عدالت کیفری و حفظ صلح، به نوعی مصالحه سیاسی-حقوقی دست می‌زند. این مصالحه، گاه در قالب کاهش سطح مجازات یا امتناع از پیگرد متهمان در سطوح بالای حکومتی نمود می‌یابد؛ که نمونه‌هایی از آن در برخی پرونده‌های آفریقایی دیده شده است. چنین روندی در عمل، اصل تناسب را با چالش روبرو می‌کند، زیرا ممکن است مجازات متناسب با جرم صادر نشود و عدالت برای قربانیان محقق نگردد (Schabas, 2011, 58).

در نهایت، محدودیت‌های مربوط به تعریف مجازات‌ها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز قابل ذکر است. اساسنامه رم فقط حبس، جریمه و مصادره اموال را به‌عنوان اشکال مجازات پذیرفته و از به‌کارگیری دیگر اشکال تنبیهی که ممکن است در نظام‌های ملی رایج باشد، جلوگیری کرده است.^۶ این محدودسازی، انعطاف قضات دیوان کیفری بین‌المللی در تطبیق دقیق مجازات با شدت جرم را محدود می‌سازد. بنابراین، درحالی‌که اصل تناسب به‌طور نظری در اساسنامه و رویه دیوان کیفری بین‌المللی جایگاه مهمی دارد، در عمل با چالش‌های ساختاری، سیاسی و حقوقی روبرو است که تحقق کامل آن را دشوار می‌سازد.

۴-۱- مفهوم تناسب در آیین کیفری بین‌المللی

اصل تناسب در حقوق بین‌الملل کیفری، به‌ویژه در دیوان کیفری بین‌المللی، نه‌تنها یکی از اصول بنیادی عدالت کیفری است بلکه معیاری ضروری برای مشروعیت مجازات‌ها تلقی می‌شود. بر اساس ماده هفتادوششم اساسنامه رم، قضات دیوان کیفری بین‌المللی هنگام صدور حکم باید مجازاتی را

6- Rome Statute, Art. 77

تعیین کنند که با شدت جرم، نقش متهم و شرایط فردی و اجتماعی وی تناسب داشته باشد.^۷ این اصل بر پایه اخلاق کیفری و حقوق بشر استوار است و هدف آن جلوگیری از صدور احکام افراطی یا خفیف به شکلی است که با ویژگی‌های جرم یا شخصیت مجرم در تعارض باشد.

۴-۲- وضعیت شخصی متهم از جمله سن، سلامت روانی و سابقه کیفری

این معیارها به روشنی در رویه‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده‌هایی مانند دادستان علیه توماس لوبانگا دییلو و دادستان علیه ژرمن کاتانگا^۸ مشاهده می‌شوند. برای نمونه، در پرونده «لوبانگا»، با وجود آن که جرم به کارگیری و استخدام کودکان سرباز از جرایم بسیار سنگین تلقی می‌شد، دادگاه با توجه به نبود عوامل تشدیدکننده و همچنین همکاری نسبی متهم با روند رسیدگی، حکم به چهارده سال حبس صادر کرد.

۴-۳- جایگاه بزه‌دیده در ارزیابی تناسب

یکی از ویژگی‌های برجسته در نظام دیوان کیفری بین‌المللی توجه جدی به دیدگاه قربانیان در روند رسیدگی است. ارزیابی میزان خسارات واردشده به قربانیان، نوع درد و رنج جسمی یا روانی آنان و خواسته‌هایشان برای جبران، نقش مهمی در تعیین مجازات دارد. این نکته در رویه دادگاه‌ها و اسناد مربوط به جبران خسارت و عدالت ترمیمی در دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد تأکید است (De Brouwer, 2020, 44).

۴-۴- انتقادهای نسبت به اجرای اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی

برخی منتقدان بر این باورند که دیوان کیفری بین‌المللی گاه دچار نوعی عدم توازن در اعمال اصل تناسب می‌شود. برای نمونه، در پرونده‌هایی چون تخریب میراث فرهنگی^۹، مجازات نه سال حبس برخی حقوقدانان را ناکافی می‌دانند. این انتقادات، چالشی را درباره مرز میان جرم علیه اموال فرهنگی و جرایم علیه اشخاص به میان می‌کشد (Schabas, 2017, 388).

7- Rome Statute, 1998, Art. 76

8- The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo و The Prosecutor v. Germain Katanga

۹- تیمبوکتو

۵- تحلیل پرونده‌های خاص در دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی تطابق مجازات‌ها با شدت جرائم ارتكابی

تحلیل پرونده‌های خاص در دیوان کیفری بین‌المللی از منظر تطابق میان مجازات‌های صادره و شدت جرائم ارتكابی، یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در حوزه عدالت کیفری بین‌المللی است. دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی برای رسیدگی به جرائمی چون نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز، وظیفه دارد میان ضرورت مجازات مؤثر و رعایت اصول بنیادین عدالت، به‌ویژه اصل تناسب، توازن برقرار کند.

بررسی آرای صادره در پرونده‌های شاخص دیوان کیفری بین‌المللی، مانند پرونده «توماس لوبانگا»، «ژان-پیر بمبا» و «دومینیک اونگوئن» نشان می‌دهد که نحوه تعیین مجازات در این نهاد، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله ماهیت جرم، جایگاه متهم در سلسله‌مراتب قدرت، میزان همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، تأثیر جرم بر قربانیان و حتی ملاحظات سیاسی و انسانی قرار دارد. تحلیل تطبیقی و انتقادی این پرونده‌ها، علاوه بر روشن ساختن چگونگی اعمال اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی، امکان ارزیابی میزان انطباق رویه‌های قضایی آن با معیارهای عدالت کیفری بین‌المللی را فراهم می‌آورد. چنین تحلیلی می‌تواند به بازنگری در سیاست‌های کیفری دیوان کیفری بین‌المللی، ایجاد وحدت رویه در تعیین مجازات و در نهایت، تقویت اعتماد عمومی به کارآمدی و بی‌طرفی نظام عدالت کیفری بین‌المللی منجر شود.

۵-۱- بررسی پرونده لوبانگا^{۱۰}

یکی از پرونده‌های شاخص در دیوان کیفری بین‌المللی، پرونده توماس لوبانگا است که به‌عنوان نخستین متهمی که در دیوان کیفری بین‌المللی محکوم شد، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی رویه دیوان کیفری بین‌المللی درباره تناسب جرم و مجازات داشت. لوبانگا به جرم استخدام و به‌کارگیری

کودکان سرباز در درگیری‌های مسلحانه در جمهوری دموکراتیک کنگو مجرم شناخته شد و به چهارده سال حبس محکوم شد. این مجازات با وجود اثرات مخرب استفاده از کودکان در جنگ، از نظر برخی حقوق‌دانان سبک تلقی شد و پرسش‌هایی درباره تناسب آن با شدت جرم مطرح گردید (Werle&Jessberger,2014,339).

منتقدان معتقد بودند که دیوان کیفری بین‌المللی در تعیین مجازات، بیش از حد به عوامل تخفیف‌دهنده مانند همکاری متهم با دادستانی و رفتار مناسب در طول دادرسی توجه کرده است. این رویکرد می‌تواند پیامدهایی منفی در سطح پیشگیری عمومی داشته باشد؛ چرا که ممکن است در برخی موارد تصور شود جرائم جنگی می‌توانند بدون مجازات سنگین خاتمه یابند (Schabas,2017,521). در مقابل، برخی پژوهشگران از این حکم دفاع کرده‌اند و آن را گامی برای تأسیس سنت مجازات‌گذاری متناسب اما غیرانتقام‌جویانه در دیوان کیفری بین‌المللی دانسته‌اند (Sluiter,2016,124).

۵-۲- پرونده ژرمان کاتانگا

در پرونده کاتانگا که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در ایتوری کنگو مربوط می‌شد، متهم به دوازده سال حبس محکوم شد. وی در حمله‌ای که منجر به کشته شدن غیرنظامیان و ارتکاب خشونت‌های جنسی شده بود، نقش مشارکتی داشت. یکی از نکات مهم در این پرونده، نحوه تحلیل سهم و نقش متهم در ارتکاب جرم و تأثیر آن بر میزان مجازات بود. دیوان کیفری بین‌المللی، برخلاف دادگاه‌های داخلی، مسئولیت را تفکیک و میان «مشارکت غیرمستقیم» و «هدایت مستقیم» تمایز قائل شد (Cryer et al.,2019,283). این تفکیک باعث کاهش مجازات شد که خود محل مناقشه در تطابق کیفر با میزان آسیب‌پذیری قربانیان بود (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ۵۴).

۵-۳- تأثیرات احکام دیوان کیفری بین‌المللی بر انسجام معیارهای کیفرگذاری

پرونده‌های ذکر شده به روشنی نشان می‌دهند که دیوان کیفری بین‌المللی در آغاز مسیر خود با چالش‌هایی در تعیین چهارچوب‌های مشخص و منسجم برای تناسب جرم و مجازات مواجه است. در

فقدان قواعد مشخص حداقلی و حداکثری برای مجازات‌ها، دیوان کیفری بین‌المللی باید میان اصول مختلفی چون عدالت ترمیمی، فردی‌سازی مجازات و بازدارندگی عمومی توازن برقرار کند (Dixon, 2016, 403). با این که دیوان کیفری بین‌المللی تلاش کرده است در هر پرونده ویژگی‌های خاص آن را لحاظ کند، اما نبود رویه یکپارچه می‌تواند موجب کاهش اعتماد عمومی به کارآمدی دیوان کیفری بین‌المللی در تأمین عدالت شود. بررسی‌های تطبیقی حاکی از آن است که برخی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دیگر با تدوین قواعد جزایی روشن‌تر و بهره‌گیری از محدوده‌های مجازات، در ایجاد ثبات بیشتر موفق‌تر بوده‌اند (بیگی و نجاتی، ۱۴۰۰).

۶- واکاوی تطبیقی اصل تناسب در جرائم و مجازات‌ها با تأکید بر عملکرد دیوان کیفری

بین‌المللی و نظام‌های ملی

اصل تناسب میان جرم و مجازات در نظام‌های حقوقی مختلف به‌عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده است؛ اما نحوه تفسیر، اجرای عملی و حدود این اصل در نظام‌های گوناگون تفاوت دارد. به‌عنوان نمونه، در نظام حقوقی رومی-ژرمنی^{۱۱}، تناسب مجازات‌ها به‌شدت با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل فردی‌سازی مجازات‌ها گره خورده است. این در حالی است که در نظام حقوقی کامن‌لا^{۱۲}، اگرچه اصل تناسب مورد پذیرش قرار دارد، اما رویه‌های قضایی و نهاد هیئت‌منصفه نقش پررنگ‌تری در تعیین سطح تناسب ایفاء می‌کنند (Ashworth, 2015, 89).

یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی هماهنگ‌سازی معیارهای جهانی تناسب با معیارهای داخلی کشورها است. برای مثال، در پرونده لوبانگا، دیوان کیفری بین‌المللی برای نخستین بار به‌طور جدی با مسئله تعیین سطح مجازات در مواجهه با نقض شدید حقوق بشردوستانه روبرو شد. در این پرونده، با وجود آن که دفاعیات محکوم‌علیه بر مبنای قوانین ملی کنگو و میزان تحمل مجازات در فرهنگ حقوقی بومی بود، دیوان کیفری بین‌المللی از معیارهای بین‌المللی

۱۱- مانند آلمان و فرانسه

۱۲- همچون ایالات متحده آمریکا و بریتانیا

استفاده کرد و مجازاتی تعیین کرد که به عقیده برخی تحلیلگران، واجد نوعی عدم تناسب با ویژگی‌های بومی و ساختار کیفری داخلی کشور بود (Schabas, 2016, 172). این تعارض‌ها نشان می‌دهد که در سازوکار دیوان کیفری بین‌المللی، اصل تناسب اگرچه به صورت نظری پذیرفته شده است، اما در اجرا گاه به دلیل اولویت دادن به اهداف بین‌المللی عدالت کیفری، مانند بازدارندگی جهانی یا نمادین‌سازی مسئولیت کیفری، از معیارهای سنتی فاصله می‌گیرد (Kwakwa, 2019, 110).

در بررسی پرونده‌های دیگر مانند بمبا و کاتنگا نیز می‌توان دید که گاهی سطح مجازات تعیین‌شده در دیوان کیفری بین‌المللی، واکنش‌های متفاوتی در سطح داخلی برانگیخته است. در برخی موارد، کشورها اجرای حکم را مطابق با ساختار زندان‌ها و قوانین اجرای مجازات خود نپذیرفته‌اند یا خواهان تعدیل آن شده‌اند. این وضعیت، نشانگر عدم یکپارچگی در درک اصل تناسب و ضرورت توجه بیشتر به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها است (Dixon, 2020, 94).

۷- چالش‌ها و محدودیت‌های اجرای اصل تناسب در مجازات‌های دیوان کیفری بین‌المللی

اصل تناسب در مجازات، یکی از بنیادی‌ترین اصول عدالت کیفری است که بر ضرورت برقراری توازن میان شدت جرم و میزان مجازات تأکید دارد. این اصل که ریشه در اندیشه‌های فلسفی عدالت از دوران ارسطو تا نظریات معاصر حقوق کیفری دارد، در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی جایگاهی محوری یافته است. در عرصه عدالت کیفری بین‌المللی، اهمیت اصل تناسب بیش از پیش نمایان می‌شود؛ چرا که دیوان کیفری بین‌المللی با جرائمی سروکار دارد که ماهیت آن‌ها فراملی، گسترده و عمیقاً ضدانسانی است، مانند نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی. در چنین بستری، تعیین مجازاتی متناسب با میزان تقصیر، انگیزه و پیامدهای جرم، نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و سیاسی محسوب می‌شود.

با این حال، اجرای اصل تناسب در چهارچوب دیوان کیفری بین‌المللی با چالش‌ها و محدودیت‌های جدی مواجه است. از یک سو، ماهیت پیچیده و چندوجهی جرائم بین‌المللی، امکان سنجش دقیق شدت جرم و تعیین میزان تقصیر فردی را دشوار می‌سازد؛ و از سوی دیگر، فقدان نظام

یکپارچه مجازات‌ها و تأثیر ملاحظات سیاسی و انسانی در تصمیم‌گیری قضات، تحقق کامل این اصل را با موانع عملی روبرو کرده است. علاوه بر این، تفاوت در رویکردهای فرهنگی و حقوقی میان نظام‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی، نبود معیارهای دقیق برای تعیین تناسب میان جرایم مشابه و فقدان رویه‌های قضایی منسجم، از دیگر عواملی است که تحقق عینی اصل تناسب را در دیوان کیفری بین‌المللی با چالش روبرو می‌سازد. بنابراین، بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های اجرای اصل تناسب در مجازات‌های دیوان کیفری بین‌المللی، نه تنها به تبیین کارآمدی و مشروعیت این نهاد بین‌المللی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در جهت ارتقای عدالت کیفری بین‌المللی و تدوین سیاست‌های کیفری منسجم‌تر در سطح جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء نماید.

۷-۱- پیچیدگی جرائم بین‌المللی و تعیین مجازات متناسب

جرائم مورد رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی اغلب پیچیدگی‌ها و ابعاد گسترده‌ای دارند؛ مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر قربانیان و جوامع دارند. این گستردگی و شدت، تعیین میزان مجازات متناسب را بسیار دشوار می‌کند. برخلاف نظام‌های کیفری ملی که غالباً با جرائم فردی مواجه هستند، دیوان کیفری بین‌المللی با حجم بالایی از ابعاد جمعی و سازمان‌یافته مواجه است که مستلزم ارزیابی جامع و همه‌جانبه است (Cassese, 2013, 192). در مواردی مانند پرونده ژان-پیر بمبا گمبو، تعیین مجازات متناسب مستلزم بررسی نقش فرماندهی نظامی و میزان تأثیر تصمیمات وی بر اعمال جنایی بوده که این امر خود پیچیدگی‌های تحلیلی فراوانی را طلب می‌کند (رضوی فرد، ۱۳۹۱، ۱۸۴).

۷-۲- محدودیت‌های ساختاری و قضایی در اعمال اصل تناسب

دیوان کیفری بین‌المللی با محدودیت‌های ساختاری نیز مواجه است؛ از جمله فقدان نظام‌های روشن برای تعیین حداقل و حداکثر مجازات‌ها، نبود دستورالعمل‌های تفصیلی برای ارزیابی عوامل تشدید یا تخفیف مجازات و پیچیدگی رویه‌های استیناف که می‌تواند به تصمیمات متناقض منجر شود. به همین دلیل، در موارد متعددی احکام صادره از شعب مختلف دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جرائم مشابه

متفاوت بوده است (Schabas, 2017, 515). همچنین، فشارهای سیاسی و دیپلماتیک که از سوی برخی دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی بر دیوان کیفری بین‌المللی وارد می‌شود، می‌تواند بر نحوه اعمال اصل تناسب تأثیرگذار باشد و از استقلال قضایی دیوان بکاهد.

۸- جایگاه و چالش‌های کیفر اعدام و تناسب آن با جرائم ارتكابی در حقوق بین‌الملل کیفری و روبه دیوان بین‌المللی کیفری

کیفر اعدام یکی از بحث‌برانگیزترین مجازات‌ها در سطح جهانی و به‌ویژه در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری است. در آغاز شکل‌گیری نظام‌های قضایی بین‌المللی، به‌ویژه در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، کیفر اعدام به‌عنوان مجازات مجرمان جنگی و جنایتکاران علیه بشریت به کار گرفته شد (Mourby, 2011, 152). در دادگاه نورنبرگ، دوازده نفر به اعدام محکوم شدند که ده نفر آن‌ها به دار آویخته شدند و دادگاه توکیو نیز هفت نفر را اعدام کرد (Schabas, 2017, 456). اما به تدریج، به دنبال تحولات حقوق بشر و افزایش حساسیت‌ها نسبت به حق حیات، دیدگاه‌های جهانی نسبت به کیفر اعدام تغییر کرد و این مجازات در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر محدود یا ممنوع شد. به‌عنوان مثال، ماده ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق حیات تأکید می‌کند و تلاش‌های سازمان ملل متحد در جهت تعلیق اجرای اعدام نیز نشانگر تحول رویکرد بین‌المللی است.^{۱۳}

اساسنامه رم که مبنای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی است، در هیچ ماده‌ای اجازه صدور حکم اعدام نمی‌دهد. این امر نشان‌دهنده اجماع ضمنی یا صریح جامعه بین‌المللی مبنی بر حذف مجازات اعدام در جرائم بین‌المللی است این موضع، برخلاف دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو است که کیفر اعدام را به کار گرفتند و نشان‌دهنده پیشرفت در رویکردهای حقوق بین‌الملل کیفری است. توجه به شدت جرائم بین‌المللی مانند نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت، برخی طرفداران کیفر اعدام استدلال می‌کنند که این مجازات می‌تواند پاسخ مناسبی برای بعضی جرائم شدید باشد. اما رویکرد غالب در

حقوق بین‌الملل کیفری، به‌ویژه در دیوان کیفری بین‌المللی، بر پایه اصول عدالت کیفری انسانی و احترام به کرامت انسانی استوار است که به جای مجازات‌های اعدام، مجازات‌های طولانی حبس را ترجیح می‌دهد (Schabas, 2017, 459).

۹- نقش اصل تناسب در حمایت از حقوق بزهدیدگان در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حقوق بزهدیدگان در دیوان کیفری بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا جرائم بین‌المللی غالباً قربانیان بسیار زیادی دارند و این قربانیان نیازمند حمایت و جبران خسارات هستند (McGonigle, 2010, 77). یکی از ابعاد اصل تناسب در دیوان کیفری بین‌المللی، تضمین عدالت برای این افراد است به گونه‌ای که مجازات متناسب با آسیب وارده به آن‌ها تعیین شود. دیوان کیفری بین‌المللی با به رسمیت شناختن حقوق بزهدیدگان، امکان جبران خسارت و مشارکت آنان در روند دادرسی را فراهم آورده است. در پرونده لوبانگا، تصمیمات مربوط به جبران خسارت جمعی نمونه‌ای از تلاش دیوان کیفری بین‌المللی برای رعایت تناسب میان جرم و پاسخ کیفری و حمایت از بزهدیدگان بود (Mendeloff, 2013, 120). این حمایت نه تنها به معنای پرداخت خسارت مادی است، بلکه ابعاد روانی و معنوی را نیز شامل می‌شود که به بازسازی روحیه جامعه قربانیان و تضمین عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

۱۰- بررسی نقش اصل تناسب در تضمین محاکمه منصفانه در دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از ابعاد کلیدی اصل تناسب، رعایت حقوق متهم است، به گونه‌ای که مجازات نباید از حد ضرورت فراتر رود و باید با جرم ارتكابی همخوانی داشته باشد. دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه خود و آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌ها، حقوق متهم را به‌طور دقیق تضمین کرده است، از جمله حق دفاع عادلانه، حق دسترسی به وکیل و حق برابری میان طرفین دادرسی (Mégré&Samson, 2016, 57). دیوان کیفری بین‌المللی تلاش می‌کند بین نیاز به مجازات‌های مؤثر و احترام به حقوق متهمان توازن برقرار کند. در پرونده‌های مختلف، دادگاه‌ها با دقت در تعیین میزان مجازات، ملاک‌های فردی‌سازی و شرایط خاص متهم را لحاظ می‌کنند تا تضمین کنند که حکم صادره متناسب و منصفانه باشد (Gaeta, 2015, 308).

با این حال، برخی پژوهشگران نقد کرده‌اند که در مواردی تأکید بر مجازات‌های بازدارنده و شدید می‌تواند به حقوق متهمان آسیب برساند و فرصت‌های اصلاح و بازپروری را محدود کند (Bitti, 2018, 120). همچنین، وجود فشارهای سیاسی و رسانه‌ای ممکن است بر بی‌طرفی دیوان کیفری بین‌المللی تأثیر بگذارد و اصل تناسب را تضعیف نماید.

۱۱- تأثیر اصل تناسب در تعیین اهداف مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی

در حقوق کیفری بین‌المللی، اهداف مجازات فراتر از تنبیه صرف است و شامل سزادهی، بازدارندگی، اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرم و نیز اعلام انزجار جامعه بین‌المللی از جرم است. اصل تناسب به‌عنوان رکن اساسی در تعیین این اهداف عمل می‌کند تا مجازات نه بیش از حد شدید و نه کمتر از حد ضرورت باشد. دیوان کیفری بین‌المللی به‌صورت آشکار در مباحث و آراء خود به تأکید بر اهداف سزادهی و بازدارندگی پرداخته است. به‌عنوان مثال، در پرونده‌های لوبانگا و کاتانگا، تأکید بر بازدارندگی همگانی و خاص بوده است که نشان‌دهنده اهمیت پیشگیری از وقوع مجدد جرائم بین‌المللی و ارسال پیام‌های نمادین به جامعه جهانی است. در همین حال، دیوان کیفری بین‌المللی کمتر بر اهداف اصلاحی تأکید کرده است، به‌ویژه به این دلیل که بسیاری از محکومان در سطوح فرماندهی قرار دارند و امکان اصلاح رفتاری آنان اندک تصور می‌شود (Schabas, 2017, 420).

اصل تناسب در این چهارچوب ایجاب می‌کند که اهداف مجازات با شدت و نوع جرم همخوانی داشته باشد. مجازاتی که بیش از حد شدید باشد، می‌تواند مشروعیت دیوان کیفری بین‌المللی را زیرسوال ببرد و در مقابل، مجازاتی که ناکافی باشد، باعث تضعیف بازدارندگی و عدالت نمی‌شود (Bassiouni, 2014, 237). از این رو قضات دیوان کیفری بین‌المللی موظف‌اند در تعیین مجازات‌ها ضمن رعایت اصل تناسب، به تأثیر اجتماعی و سیاسی حکم صادره نیز توجه کنند، زیرا مجازات‌های دیوان کیفری بین‌المللی غالباً پیام‌هایی به جوامع بین‌المللی و قربانیان دارند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تفاوت در برداشتها و انتظارات جوامع مختلف نسبت به مجازات‌های متناسب است. همچنین، نبود

نظام‌های مشخص و استانداردهای یکسان برای تعیین دقیق مجازات‌ها، باعث شده است که احکام صادره در پرونده‌های مشابه از نظر شدت و نوع مجازات تفاوت‌هایی داشته باشد (Cryer, 2014, 456). علاوه بر این، محدودیت‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی، مانند وابستگی به همکاری کشورها برای دستگیری و اجرای مجازات، گاهی موجب شده است که عدالت به صورت کامل تحقق نیابد.

نتیجه

اصل تناسب میان جرم و مجازات، به عنوان یکی از ارکان اساسی عدالت کیفری، در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ مشروعیت، کارایی و عدالت در روند رسیدگی و صدور احکام ایفاء می‌کند. این اصل تضمین می‌کند که مجازات‌ها نه تنها بر مبنای شدت و ماهیت جرائم بین‌المللی تعیین شوند، بلکه با ملاحظات حقوق بشری و اخلاقی نیز هماهنگ باشند. دیوان کیفری بین‌المللی با اتکاء به مبانی نظری سزاگرایی و فایده‌گرایی، تلاش می‌کند اهداف مختلفی از جمله بازدارندگی، سزادهی، جبران خسارت به بزه‌دیدگان و اصلاح مجرم را متوازن و به نحو شایسته تحقق بخشد.

بررسی پرونده‌های شاخص دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که در بسیاری موارد اصل تناسب به درستی رعایت شده و این امر سبب شده است تا مجازات‌های صادره از سوی دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها از منظر حقوقی معتبر باشند بلکه پیام‌های نمادین و بازدارنده‌ای برای جامعه بین‌المللی به همراه داشته باشند. همچنین، حذف مجازات اعدام و تأکید بر کیفرهای جایگزین مانند حبس، نشانگر تحول نگرش دیوان کیفری بین‌المللی در راستای احترام به کرامت انسانی و تطابق با موازین حقوق بشر است.

با این حال، چالش‌های متعددی از جمله محدودیت‌های ساختاری دیوان کیفری بین‌المللی، وابستگی به همکاری دولت‌ها، فشارهای سیاسی و تفاوت در نظام‌های حقوقی ملی، می‌تواند تحقق کامل اصل تناسب را تحت تأثیر قرار دهد. این مسائل ضرورت توسعه سازوکارهای حقوقی و تقویت همکاری‌های

بین‌المللی را برجسته می‌سازد تا دیوان کیفری بین‌المللی بتواند به صورت مؤثرتر و عادلانه‌تر عمل نماید. در نهایت، تحقق کامل اصل تناسب میان جرم و مجازات، علاوه بر جنبه حقوقی، نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که هم به جنبه‌های اخلاقی و انسانی توجه داشته باشد و هم ظرفیت‌های عملی و اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی را تقویت کند. این امر علاوه بر تضمین عدالت کیفری بین‌المللی، موجب ارتقای اعتماد عمومی و تحقق صلح و امنیت جهانی خواهد شد. بنابراین، اصل تناسب باید به‌عنوان یک راهبرد کلیدی در سیاستگذاری و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در نظر گرفته شود و در راستای توسعه قوانین و رویه‌های قضایی دیوان، همواره محور اصلی قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اختری، نایب علی، ۱۳۹۹، عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی از ابتدا تا کنون، **دوفصلنامه گفتمان حقوقی**، شماره ۱۷.
- بیگی، جمال و نجاتی، جمال، ۱۴۰۰، راهبردهای نظام سیاستگذاری بین‌المللی در قبال جنایت تعقیب و آزار و جرم‌انگاری آن در حقوق ایران، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۱۰۸.
- رضوی فرد، بهزاد، ۱۳۹۱، کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌المللی کیفری، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۱.
- رضوی فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن، ۱۳۹۰، تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۵.
- صادقی، مهدی رضا و زمانی، سیدقاسم، ۱۳۹۸، رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اهداف مجازات، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۱۶.

- Ashworth, A., 2015, *Sentencing and Criminal Justice*, Cambridge University Press.
- Bassiouni, M. C., 2014, *Introduction to International Criminal Law*, Brill.
- Bitti, G., 2018, *The Right to a Fair Trial in International Criminal Law*, Brill.
- Cassese, A., 2013, *International Criminal Law* (2nd ed.), Oxford University Press.
- Cryer, R., 2014, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press.
- Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., Wilmschurst, E., 2019, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure* (4th ed.), Cambridge University Press.
- De Brouwer, A.-M., 2020, *Victims of International Crimes: The Role of the ICC*, *International Criminal Law Review*, 20 (1).
- Dixon, R., 2016, *Sentencing and Punishment in the ICC*, In *The International Criminal Court: Contemporary Challenges and Reform Proposals*.
- Dixon, R., 2020, *The International Criminal Court and Domestic Legal Systems: A Comparative Analysis*, Oxford University Press.
- Gaeta, P., 2015, *The International Criminal Court: An Introduction*, Routledge.
- Klip, A., 2016, *International Criminal Law*, Intersentia.
- Kwakwa, E., 2019, *Complementarity and the Dilemma of Uniform Punishment*, *Journal of International Criminal Justice*, 17 (1).
- Kwon, O., 2010, *International Criminal Court and the Principle of Proportionality in Sentencing*, *Journal of International Criminal Justice*, 8 (1).
- McGonigle Leyh, J., 2010, *Victims' Rights in the International Criminal Court*, *Journal of International Criminal Justice*, 8 (1).
- Mégret, F., 2015, *The Problem of an International Criminal Law of Sentencing*, *Columbia Journal of Transnational Law*, 53 (3).
- Mégret, F., Samson, M., 2016, *International Criminal Law*, Edward Elgar Publishing.
- Mendeloff, D., 2013, *Repairing the Past: Compensation for Victims of War Crimes and Human Rights Abuses*, *Human Rights Quarterly*, 35 (1).
- Mourby, M., 2011, *The Legacy of the Nuremberg and Tokyo Trials in the International Criminal Justice System*, *European Journal of International Law*, 22 (1).
- *Rome Statute of the International Criminal Court*, 1998.
- Schabas, W. A., 2011, *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge University Press.
- Schabas, W. A., 2016, *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge University Press.
- Schabas, W. A., 2017, *An Introduction to the International Criminal Court* (5th ed.), Cambridge University Press.
- Sluiter, G., 2016, *Procedural Law and the ICC*, In *The Law and Practice of the International Criminal Court*, Oxford University Press.
- Werle, G., Jessberger, F., 2014, *Principles of International Criminal Law* (3rd ed.), Oxford University Press.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi

The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System

Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama

Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya

Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country

Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi

The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms

Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz

Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani

Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran

Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei

Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps

Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour

An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim

Habibolah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi

Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati, Naghmeh Farhood

The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh

The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts

Hadi Zare, Majid Vaziri

Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England

Zeinab Tari

Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law

Amirreza Alitabar

The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking

Mahbobeh Talebi Rostami

Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law

Sayyed Amirhasan Mostafavi

Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users

Vahid Kioumars

Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law

(With a Look at International Documents)

Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid

The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

Sina Youseffi

Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems

Ebrahim Shiravanian

An Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System

Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale

Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

Radmehr Rahmani Golafshan

Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar

Abdolmajid Youseffi

Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine

Yasser Shakeri